

غاز و ارتقای سلسله چشتیه در شبه قاره (هند و پاکستان)

محمد ظهیر بابر*

احسان احمد**

چکیده:

خواجه معین الدین چشتی^۱ در هند بنیان سلسله چشتیه گذاشت. وی در امپراتوری پرتھوی در هند وارد شد و اجمیر را مستقر خود قرار داد. به سعی و کوشش وی هزاران نفر مسلمان شدند. بعد از درگذشت وی قطب الدین بختیار کاکی، نظام الدین اولیاء و خواجه نصیر الدین برای ترویج و اشاعت سلسله خدمات انجام دادند. در پنجاب فرید الدین گنج شکر^۲ برای سلسله چشتیه کوشش فرمود. در قرن شانزدهم و هفدهم نظام سلسله چشتیه یکسان نماند. درین دوره چندین بزرگان کارهای نمایان انجام دادند. در قرن هجدهم و نوزدهم بزرگان مانند شاه کلیم الله جهان آبادی، شاه نظام الدین و شاه فخر الدین از سعی و کوشش سلسله چشتیه را دوام بخشید و خصوصاً خانقاهای مهار شریف، تونسہ شریف، کوت متھن، پاک پتن شریف، سیال شریف و گولرہ شریف سلسله چشتیه را زنده کرد.

واژه های کلیدی: شبه قاره، سلسله چشتیه، خواجه معین الدین^۱، بابا فرید، گولرہ شریف،

سیال شریف.

*دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب لاهور.

**استاد یار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب لاهور.

پیش از حضرت خواجه معین الدین چشتی (۵۳۶-۶۳۳ق) عده ای از بزرگان چشتیه در هند تشریف آورده بودند. مثلاً خواجه ابو محمد بن ابی چشتی^۱ (نفحات الانس، ص ۳۲۹) ولی حقیقت این است که خود خواجه معین الدین چشتی^۲ در هند بنیان سلسله چشتیه گذاشت. وی در دوره سلطنت پرتھوی در هند وارد شد و اجمیر را مستقر خود قرار داده تبلیغ و اشاعت دین شروع کرد. میر خورد در "سیر الاولیا" خواجه معین الدین چشتی را "نایب رسول فی الهند" نوشته است. (سیر الاولیاء، ص ۱۲۸) ابو الفضل در آئین اکبری بیان کرده است: "عزلت گزین به اجمیر شد و فراوان چراغ بر افروخت، او از دم گیرای او گروه ها گره ها مردم بهره بر گرفتند. (آئین اکبری، ص ۲۷۷)

در آن زمان اجمیر مرکز مذهبی هندوها بود. آنان از دور و نزدیک برای عبادت مذهبی خود در اجمیر جمع می شدند. معمولاً می گویند که جمعیت مسلمانان در هند بعد از حملات محمد غوری (۱۱۴۹-۱۲۰۶م) شروع شد. این نه فقط درست نیست بل گمراه کننده است. علاوه بر اجمیر که آنجا حضرت خواجه معین الدین چشتی^۳ در زمان پرتھوی راج خانقاه خود درست کرد بلکه در بدایون، بنارس، قنوج، ناگور و بهار و در بعضی شهرها جمعیت مسلمانان زیاد بود.

پس باید بگوییم که تشریف آوردن خواجه معین الدین چشتی در هند باعث انقلاب روحانی و اجتماعی شد. در قرن یازدهم و دوازدهم احوال اجتماعی هند به غایت درجه مخدوش شده بود. حضرت خواجه معین الدین چشتی^۴ نظریه توحید اسلام پیش کرد که قانون زندگی است و بعد از قبول کردن این تفریق ذات بی معنی می شود. بعد از فتوحات محمد غوری و قطب الدینایک

(۱۱۵۰-۱۲۱۰م)

حیثیت سیاسی و اهمیت اجمیر کمتر شده بود. مرکز سلطنت اول لاهور و بعد به دهلی منتقل شد. خواجه معین الدین چشتی در اجمیر شمع دین روشن کرد. مرکز سلسله چشتیه در دهلی:

در دهلی مرکز سلسله چشتیه از سعی و کوشش شیخ قطب الدین بختیار کاکای^(۱) (۱۱۷۳-۱۲۳۵م) به وجود آمد. وی در دوره سلطان التتمش (۱۲۳۶م) در دهلی آمد و انقلاب ارشاد و تلقین برپا کرد. در آسیای میانه طوفان مغولان داشت شدید تر می شد و هزاران عالم و شیخ و شاعر و ادیب به طرف دهلی رجوع می کردند. بنا بر این دهلی در حیث شهر بین المللی معروف گردید. عصامی در فتوح السلاطین نگاشته است:

غرض چونکه خرشید روی زمین
شه ایلتمش آن شمس دنیا و دین
به دهلی چنان تخت گاهی بساخت
سپاهش در اقصای آن ملک تاخت
یکی کعبه هفت اقلیم شد
دیارش همه دار اسلیم شد
شنیدم که بنای آن تخت گاه
رسانید رایات دین را به ماه

(فتوح السلاطین، ص ۱۰۹)

سلطان التتمش برای علما و مشایخ عقیدت و احترام وافر داشت. وقتی خبر

می یافت که عالم و صوفی به دهلی وارد می شود، بهر استقبال وی از شهر بیرون می آمد و برایش در کاخ شاهی انتظام و انصرام اقامت می کرد. خواجه قطب الدین بختیار کاکی^۲ با دربار تعلق داشتن دوست نداشت. باز هم سلطان به وی احترامات زیادی گذاشت. سلطان التتمش در احترام خواجه بختیار کاکی^۳ قطب مینار دهلی بنا کرد. خواجه اجمیری^۴ برای ملاقات با خواجه بختیار کاکی به دهلی تشریف آورد، به دیدن اوضاع خیلی ناراحت شد و تصمیم گرفت که حضرت قطب صاحب را با خود به اجمیر برند. وقتی درباره این مردم دهلی با خبر شدند، در غم و اندوه گرفتار شدند. میر خورد در سیر الاولیا اینطور بیان کرده است:

‘پس در آن مرتبه شیخ قطب الدین همراه شیخ روانه اجمیر گردید. ازین مقدمه در تمام شهر دهلی شور افتاد همه اهل شهر مع سلطان شمس الدین دنبال بر آمدند و هر جا شیخ قطب الدین قدم می گذاشت. خلائق خاك آن زمین به تبرك بر می داشت و نهایت اضطراب و زاری می نمودند’- (سیر الاولیاء، ص ۶۴-۶۵)

شیخ فرید الدین مسعود گنج شکر^۵ و اشاعت سلسله چشتیه در پنجاب:

وقتی بابا فرید^۶ آخرین مرتبه با خواجه بختیار کاکی^۷ ملاقات کرد، وی به فرید الدین مسعود^۸ مصلی خاص و عصا داد و گفت:

”من امانت شما یعنی سجاده و خرقه و دستار و نعلین به قاضی حمید الدین ناگوری^۹ خواهم داد. بعد از پنج روز به شما خواهد رسانید آن را گرد آرید، مقام ما مقام شما است.“ (سیر الاولیاء، ص ۱۶۶)

قاضی حمید الدین ناگوری^{۱۰} (۱۲۴۴م) امانت به بابا فرید گنج شکر سپرد. بابا فرید^{۱۱} خرقه زیب پوشید و بر سجاده قطب صاحب نشست. بابا فرید گنج شکر^{۱۲}

اینقدر گرفتار شده بود که تمام وقت عقیدت مندان پروانه وار در خانقاه جمع می شدند. در خانقاه تا نیمه شب باز می شد. هر نوعی مردم در خدمتش حاضر می آمدند. شیخ نظام الدین اولیاء^{رح} فرمودند:

”بخدمت شیخ الاسلام فرید الدین^{رح} از هر جنس درویش و غیره آن برسیدی.“
(فوائد الفواد، ص ۶-۷)

هر که اولین مرتبه در خدمتش حاضر می شد، با وی طوری رفتار می کرد که گویا آشنایان یکدیگر اند. ظاهر و باطن وی یکی بود. شیخ بدر الدین^{رح} که در خلوت و جلوت همیشه با او بود می فرمود:

”من خادم محرم بودم و هرچه بودی با من بگفتی و به هر کاری مرا براه کردی، در خلا و ملا، يك سخن بودی. هیچ وقت مرا در خلا سخن نگفت، یعنی ظاهر و باطن يك روش داشت و این از عجایب روزگار است.“ (فوائد الفواد، ص ۱۲۶)

بابا فرید الدین^{رح} در عبادت و ریاضت کوشش و سعی فراوان کرد که خاصه وی بود. چله معکوس، با روزه بودن و غذای کریل و پیلو و وی را ناتوان ساخته بود. در آخر عمر يك مرتبه فرمود:

”چهل سال هر چه خداوند متعال فرمود بنده مسعود بر آن عمل پیرا بودم. الان از چند سال گذشته هر چه در دل مسعود می گذرد، یافته می شود.“ (خیر المجالس، ص ۱۸۲)

از خلفای بابا فرید^{رح} شیخ جمال الدین هانسوی (۵۸۳-۶۵۹ ق)، شیخ بدر الدین اسحاق، شیخ نظام الدین اولیاء^{رح} (۱۲۳۸-۱۳۲۵ م)، شیخ علی احمد

صابر (۱۱۹۶-۱۲۹۱م) و شیخ عارف شامل بود۔

شیخ نظام الدین اولیاء و سلسله چشتیه:

بنیاد سلسله چشتیه در هند خواجه معین الدین چشتی و بابا فرید الدین گنج شکر منظم کرد و شیخ نظام الدین اولیاء سلسله چشتیه را به اوج کمال رساند۔ خانقاهش در دهلی تا نصف قرن منبع رشد و هدایت و مرکز تلقین و ارشاد بود۔ مردمان از اطراف ملک هند دیوانه وار در بارگاهش حاضر آمدند و تپش عشق الهی و جذبه خلق خدا با خود می بردند۔

امیر خسرو عنوان يك قصیده اینطور گذاشت:

”مدح شیخ الطریقه نظام الحق والحقیقه محمدی که عیسی آخر الزمانش فرستادند تا دم جان بخش او اسلام محمدی ﷺ را از سر زنده گردانید و عمر جاوید بخشید۔“ (مجنون لیلی، ص ۶)

در آغاز خواجه محبوب الهی از انبوه مردمان ناراحت می بود۔ وقتی در غیاث پور ساکن شد زندگی وی در عسرت بسر می برد۔ بعضی وقت تا سه روز فاقه می کشید۔ اینقدر مستغنی بود که سلطان جلال الدین خلجی (۱۲۲۰-۱۲۹۶م) دهی در خدمت آورد، قبول نکرد و فرمود ”ما و خدمتگاران من احتیاج به ده شما ندارند۔ خدا کار ساز میر سامان ما است۔“ (سیر الاولیاء، ص ۲۰۷) بعد هزاران نفر از لنگروی استفاده می کردند۔

خواجه محبوب الهی در تمام شهرهای هند بلند مرتبه و بلند کرامت بزرگان و خلفاء روانه فرمودند که هر یکی از آنان مثل آفتاب بود۔ مثلاً مولانا شمس الدین یحیی، شیخ نصیر الدین چراغ دهلی، شیخ قطب الدین منور، مولانا حسام

الدین، مولانا فخر الدین زرادئی، مولانا علاء الدین نیلی، مولانا سراج الدین عثمان،
شیخ بها الدین غریب و قاضی محیی الدین غریب شامل بودند.

شیخ نصیر الدین محمود چراغ دهلوی:

شیخ نصیر الدین محمود چراغ (۱۲۷۴-۱۳۵۶ م) بعد از وفات پیر و
مرشد خود شیخ نظام الدین اولیا سلسله چشتیه را به اوج کمال رساند. صفات شیخ
نظام الدین اولیا در ذات وی پیدا شده بود. صاحب سیر الاولیاء بیان کرده است.

”بوی که از مجلس سلطان المشایخ می آمد، آن بوی از مجلس شیخ نصیر
الدین محمود بمشام جان کاتب حروف رسیده است.“ (سیر الاولیاء، ص ۳۸۳)

شیخ نصیر الدین به گفته مرشد خود عمل پیرا شد. هیچ وقت حرف
شکایت بر زبان وی نیامد. در اشاعت سلسله چشتیه شیخ چراغ دهلوی بسیار
مشکلهای پیش آمد. سلطان محمد بن تغلق (۱۲۹۰-۱۳۵۱ م) حضرت را خیلی
اذیت کرد. لکن وی از فرمان مرشد خود سر مو انحراف نکرد. در خانقاه وی
عقیدت مندان این قدر حاضر می شدند که لحظه ای نمی توانست بخوابد. روزی
فرمود:

”اکنون من باری فرصت مشغولی و خلوت ندارم، همه روز با خلق می باید
بود. بلکه قیلوله نیز میسر نمی شود. بارها قیلوله می خواهم که بکنم، بر کنند که
آینده آمده است بر خیزید.“ (خیر المجالس، ص ۶۰)

شیخ چراغ دهلوی مجسمه مهر و محبت بود. درین شکی نیست که
ملفوظات شیخ نصیر الدین ”خیر المجالس“ منبع درد و الم است و این نتیجه غم و
تکالیف محمد بن تغلق بود. شیخ چراغ دهلوی بمطابق ۱۸ رمضان المبارک سال

۷۵۷ ق - ۱۳۵۶ م در دهلی جانِ خود به جان آفرین سپرد۔ در حقیقت وصالِ وی خاتمهٔ دورِ اولِ سلسلهٔ چشتیه در هند بود۔ مطهر در مرثیهٔ نوشته است:

جهان به ماتم خواجه نصیر الدین بزار گونه کود نوحه و زاری
بقیه سلف و یادگار اهل کرم که کرد ختم خلافت بملك دین داری
(اخبار الاخیار، ص ۹۲)

سلسله چشتیه در قرن شانزدهم و هفدهم:

در قرن شانزدهم و هفدهم نظام تاریخ سلسله چشتیه یکسان نمی ماند۔ همان نظم و ضبط که در قرن اول دیده می شود، الان داشت از بین می رفت۔ درین دوره چندین بزرگان دیده می شود که آنان برای ترقی و گسترش سلسله چشتیه سعی و کوشش و خدمات انجام دادند۔ میان آنان شیخ جلال الدین تھانیسری[ؒ] (۸۹۴-۹۸۹ ق)، شیخ عبد العزیز چشتی[ؒ]، شیخ سلیم چشتی[ؒ] زیاد معروف اند۔ شیخ جلال الدین[ؒ] (۹۸۹ ق) خلیفهٔ شیخ عبد القدوس گنگوهی چشتی بود۔ شیخ محدث دهلوی[ؒ] در اخبار الاخیار دربارهٔ وی فرموده است۔

”از مشاهیر مشایخ وقت بود۔ عالم با عمل بود و مستقیم و کامل۔ از اول تا آخر عمر به اطاعت و عبادت و درس و وعظ و ذکر و سماع و ذوق و حالت گذرانید۔ سن طویل یافته بود۔ بر حفظ آداب و نوافل و رعایت اوراد و اوقات تا آخر حیات مستقیم بود۔“ (اخبار الاخیار، ص ۹۶۵)

شیخ عبد العزیز چشتی[ؒ] فرزند ارجمند شیخ حسن (۸۹۸-۹۷۵ ق) طاهر بود۔ در جونپور به دنیا آمد۔ در کودکی با پدر بزرگوار به دهلی آمد و تا آخر عمر در دهلی زندگی کرد۔ شیخ عبد الحق محدث دهلوی[ؒ] (۱۵۵۱-۱۶۴۲ م) در اخبار

الاخیار درباره وی نگاشته است.

”در زمان خود یادگار مشایخ چشت بود، در دهلی به وجود او سلسله ارشاد و مشیخت برپا بود. عوام و خاص با وی عقیدت داشت. بیرم خان خصوصاً معتقد وی بود.“ (اخبار الاخیار، ص ۲۸۸)

شیخ سلیم چشتی^(۸۹۷ق) از اولاد بابا فرید الدین گنج شکر^(۵۲۰ق) مدتی عازم ممالک اسلامیة مثلاً حجاز، روم، بغداد، شام و نجف بود. بعداً در فتح پور سیکری سکونت ورزید. در تزک جهانگیری مرتبه سر سید احمد خان ذکر او موجود است.

”مردم آن نواحی به شیخ اعتقاد تمام داشتند.“ (تزک جهانگیری، ص ۵۲) زندگی شیخ سلیم اول در عسرت بسر شد، بعداً وقتی اکبر بادشاه معتقد وی شد، احوال شیخ بهتر شد. در باره این در اخبار الاخیار آمده است.

”به مرور ایام جمعیتی بظاهر احوال ایشان نیز راه یافت و عمارت و باغ ها، چاه ها ساخت و در مقام مشیخت متمکن گشت و بعضی عادات مخالف شرعیت که متعارف عوام باشد، تغییر داد.“ (اخبار الاخیار، ص ۲۹۰)

در خلفای وی شیخ کمال الوری، شیخ پیاره بنگالی، شیخ فتح الله ترین، شیخ رکن الدین اجودهنی و حاجی حسین شامل اند.

نشاته ثانیة سلسله چشتیه در قرن هجدهم:

شاه کلیم الله جهان آبادی از سعی و کوشش بسیار تمام روایات فراموش شده را دوام بخشید. خلیفه وی شاه نظام الدین اورنگ آباد (۱۰۶۰-۱۱۴۲ق) در دکن برای نشر و اشاعت سلسله چشتیه کوشش گوناگون انجام داد. مرید و فرزند

شاه نظام الدین، شاه فخر الدین اورنگ آبادی دکن را خیر باد گفت و در دهلی خانقاه بنا ساخت. در زمان وی سلسله چشتیه به اوج کمال رسید و در اکناف عالم خانقاهای سلسله چشتیه بوجود آمد.

مرید عزیز وی شاه نور محمد مهاروی (۱۷۴۶-۱۲۵۰م) در پنجاب خانقاه تاسیس کرد. تونسۀ چاچران، کوت متهن، احمد پور و ملتان مرکز اصلاح و تربیت روحانی معروف گردید. خلیفۀ دیگر شاه فخر الدین، شاه نیاز احمد بریلوی (۱۱۷۳-۱۲۵۰ق) در روہیل کھند خانقاه را آغاز کرد.

خانقاهای سلسله چشتیه در قرن هجدهم و نوزدهم:

بعد از وصال شیخ نصیر الدین چراغ دهلوی نظام مرکزی سلسله چشتیه تقریباً تمام شده بود. سید محمد گیسو دراز، شیخ نور قطب عالم، علامه کمال الدین و مشاهیر دیگر سلسله در تبلیغ و اشاعت سلسله نظامیه چشتیه سعی و کوشش نمودند. شاه کلیم اللہ دهلوی (۱۶۵۰-۱۷۲۹م) سلسله چشتیه را احیا کرد. دور و نزدیک تمام هند خلفاء را روانه فرمود که آنان در اشاعت سلسله خدماتی انجام دادند. خانقاه شاه کلیم اللہ سرچشمه علم و معرفت، رموز و حکمت و احسان و سلوک بود. میر غلام علی آزاد بلگرامی در مائثر الاکرام بیان کرده است:

”امراء و فقراء حلقه اعتقاد در گوش داشتند و به مطلب دینی و دنیوی

کامیابی اندوختند.“ (مائثر الکرام، ص ۱۱۸)

شاه کلیم اللہ اوضاع و احوال زمان فهمید و عزیز ترین مرید خود شیخ نظام

الدین را به بطرف دکن روانه فرمود و در مکتوب خود شیخ نظام را نوشت:

”شما را اللہ تعالیٰ صاحب ولایت دکن ساخته است. این کار را تمام

نمایید۔ قبل ازین می نوشتم کہ لشکر بہ لشکر بروید، اکنون این امر است، ہر جا کہ باشید در اعلای کلمتہ الحق بشاید و جان و مال خود صرف این کار کنید۔“ (مکتوبات کلیمی، م ۱۲، ص ۶۲)

در یک مکتوب اہمیت احیای دین و اعلای کلمۃ اللہ اینطور بیان فرمودہ است:

”شما را کار بزرگ ایصال فیض و اعلای کلمۃ اللہ فرمودہ ام و شما ہم درین کار گرم آمدید۔“ (مکتوبات کلیمی، م ۲۸، ص ۴۹)

شاه محمد ہاشم، مولانا شاہ ضیاء الدین، مولانا شاہ جمال الدین، مولانا شاہ محمد علی، شاہ عبد اللطیف، حافظ محمد عبد اللہ، مولانا عبد الصمد، مخدوم شیخ تہارو، شاہ اسد اللہ، و قاضی عبد الوالی از خلفای وی بودند۔ شاہ کلیم اللہ در سال ۱۱۴۲ ق ۱۷۲۹ م فوت کرد۔ بوقت وصال این بیت بر زبان وی جاری بود۔
غبار خاطر عشاق مدعا طلبی است بہ خلوتی کہ منم یا دوست بی ادبی است
(مناقب المحبوبین، ص ۴۵)

شاه نظام الدین اورنگ آبادی عزیز ترین مرید و خلیفہ شاہ کلیم اللہ بود۔
شاه نظام الدین بگفتہ مرشد خود بہ دکن رفت۔ آنجا بنیان خانقاہ سلسلہ نظامیہ چشتیہ گذاشت۔ امیر و غریب، جاہل و عالم ہمہ پروانہ وار در خدمتش حاضر می شدند۔ سر زمین دکن بعد از سید محمد گیسو دراز شیخ و صوفی جلیل القدر مثل وی ندیدہ۔ شاہ نظام الدین آن موقع بہ دکن رفت کہ اورنگ زیب عالمگیر با مرہتہ بر سر پیکار بود۔

شاه نظام الدین بر دست حق پرست شاہ کلیم اللہ بیعت کرد۔ روزی شاہ

کلیم اللہ در محفل بود، وقتی محفل تمام شد شاه نظام الدین فوراً کفش شاه کلیم اللہ برداشت، بعد نزد پای شاه کلیم اللہ گذاشت۔ خیلی خوشحال شد و فرمود، ”نظام الدین تو نزد ما برای علوم ظاہری آمده ای یا فواید باطنی که زیاد بهتر است۔

شیخ نظام الدین جواب داد:

سپر دم به تو مایه خویش را تو دانی حساب کم و بیش را
(تاریخ مشایخ چشت، ص ۳۳۴)

وقتی شاه کلیم اللہ این بیت شنید به وی آن موقع یاد پیشین گویی مرشد خود شیخ یحیی مدنی آمد که فرمود:

”شخصی این بیت پیش تو می خواند که مالک نسبت ما خواهد شد۔ از وی سلسله چشتیه خیلی رشد خواهد کرد۔“ (خزینة الاصفیاء، ص ۴۹۶-۴۹۷)
شیخ نظام الدین با دیدن مردمان دل گرفته می شد ولی بگفته مرشد خود با مردمان رفتار خوبی داشت۔ شاه کلیم اللہ فرمود که با هر کس و ناکس التفات بفرماید:

”از رجوع خلایق و کثرت مریدان خود را گم نخواهی کرد۔“ (مکتوبات کلیمی، م ۱۰۰، ص ۷۹)

در سماع شاه نظام الدین بر اصول و ضوابط مرشد خود عمل پیرا بود۔
پابند زمان و مکان و اخوان بود، می فرمود:

”سماع بسیار دل را بمیراند۔“ (تکمله سیر الاولیاء، ص ۱۰۱)

شاه فخر الدین (۱۲۶ ق) در اورنگ آباد چشم در جهان گشود۔ وقتی به شاه کلیم اللہ این خبر رسید، خیلی خوشحال شد۔ فخر الدین نام گذاشت و ملبوس

خاص خود عنایت فرمود و در حق وی دعا فرمود. شاه فخر الدین این واقع را اینطور بیان فرموده است.

”حضرت شیخ بعد تولد من رقعہ کہ برای حضرت قبلہ نوشته بودند. چنانچہ تا حال آن رقعہ پیش ما است. برای من بسیار بشارات و الفاظ زیادہ تر از رتبہ من نوشته اند و بہ تصدیق تلفظ ایشان حق تعالیٰ بر من رحمت کردہ است“ (تاریخ مشایخ چشت، ص ۳۵۵)

شاه فخر الدین[ؒ] بر تصانیف شیخ ابن عربی دست کامل داشت و ہدایہ از مولانا عبد الحکیم خواند. در بارہ^۱ مولانا در تکرملہ سیر الاولیاء نوشته است:

”بزرگ خوب عالم بود۔۔۔۔۔۔ در علم فقہ مہارت تمام داشت و ہم توکل بدرجہ اتم بود۔“ (تکرملہ سیر الاولیاء، ص ۱۰۶-۱۰۷)

در مناقب فخریہ نوشته است کہ شاه فخر الدین[ؒ] بہ طرف دہلی سفر کرد و در دہلی بر مزار مقدس شیخ قطب الدین بختیار کاک[ؒ] حاضر شد. بعد بر تمام مزارات بزرگان چشتیہ زیارت کرد. در دہلی یک خانہ بہ اجارہ گرفت و درس و تدریس آغاز کرد.

”آن حضرت در کرہ پھلیل حویلی بہ کرایہ گرفتند و آن مکان بہ قدم این گلبن رعنا رشک افزای گلزار شد و در آن محل شغل تدریس درپیش کردند.“ (مناقب فخریہ، ص ۲۰)

شاه نور محمد مہاروی[ؒ] محبوب ترین خلیفہ شاه فخر الدین[ؒ] بود. مولانا غلام سرور لاہوری در خزینۃ الاصفیاء نگاشته است:

”حضرت مولانا را آنچه عنایت بی غایت الطاف بی قیاس بحق وی

مصروف بود۔ بحال احدی از خلفای خود نبود۔“ (خزینة الاصفیاء، جلد ۱، ص ۴۰۵)

در پنجاب تبلیغ و ترویج سلسله نظامیه چشتیه نتیجه جدو جهد پر خلوص خواجه نور محمد مهارویؒ بود۔ بعد از بابا فرید الدین گنج شکرؒ از بزرگان سلسله چشتیه کسی اینقدر سعی و کوشش نکرد که در قرن هجدهم خواجه نور محمد مهاروی انجام داد۔

شاه نیاز احمد بریلویؒ معروف ترین مرید و خلیفه حضرت شاه فخر الدینؒ بود۔ در علم و فضل یکتای زمانه بود۔ برای زهد و تقوی معروف بود۔ خانقاه وی در بریلی است که مرجع عام و خاص است۔ مولانا غلام سرور چنین بیان کرده است:

”خلق بی شمار به حلقه ارادت وی تادر آمد و مردمان از اقالیم دور یعنی از کابل و قندهار، شیراز و بدخشان به خدمت وی حاضر آمده مستفید و مستفیض شدند۔“ (خزینة الاصفیاء، ص ۵۱۳)

خواجه محمد عاقل ممتاز ترین خلیفه خواجه نور محمد مهارویؒ بود۔ در پنجاب در ترویج و اشاعت چشتیه نظامیه خدمات وی نمایان است۔ خانقاهای چاپچران، کوت متهن و احمد پور از سعی و کوشش وی بوجود آمد۔ در مناقب المحبوبین آمده است:

هزارها مخلوق از دروازه ایشان فیض یاب شدند و صدها صاحب خانقاها از ایشان مبعوث شدند۔“ (مناقب المحبوبین، ص ۱۲۳)

در قرن هجدهم خلیفه مجاز خواجه نور محمد مهارویؒ، حافظ محمد

جمال ملتانی^۲ در ملتان خانقاه چشتیه نظامیه را آغاز کرد. خواجه نور محمد مهاروی^۳ به اشاره حضرت شاه فخر الدین^۴ برای ترویج و اشاعت سلسله حافظ جمال ملتانی^۵ را در ملتان متعین فرمود.

در پنجاب فیض شاه فخر الدین دهلوی^۶ و نام سلسله چشتیه از خواجه نور محمد مهاروی^۷ آمد و تکمیل این از شاه محمد سلیمان تونسوی (۱۷۷۰-۱۸۵۰م) شد. خلفای خواجه شاه سلیمان^۸ در تمام هند رفت و خدمت رشد و هدایت سلسله نظامیه چشتیه انجام دادند. وقتی شاه سلیمان تونسوی^۹ مسند ارشاد گرفت سیکه ها در پنجاب دولت در دست گرفته بودند. خواجه سلیمان تونسوی^{۱۰} وقتی در خدمت خواجه مهاروی^{۱۱} رسید، کیفیت باطنی وی عوض می شد و به مرشد خود فرمود که مرا بیعت بفرمایید. خواجه نور محمد^{۱۲} شاه سلیمان تونسوی^{۱۳} را بر مزار اقدس سید جلال بیعت فرمود.

حضرت شاه سلیمان تونسوی^{۱۴} با پیر و مرشد خود عشق فراوان داشت. وقتی از وی جدا می شد، پریشان و بی قرار می شد. اکثر در کیفیت وجد بطرف مهار شریف رُخ می فرمود که از زحمت های سفر ناخن از پا جدا می شد و خون جاری می شد. در نافع السالکین آمده است:

”برده ناخن از هر دو پای من جدا شدند.“ (نافع السالکین، ص ۱۳۴)

تعداد خلفای خواجه سلیمان تونسوی^{۱۵} زیاد است. مثلاً مولوی محمد باران کلاچوی، مولوی محمد علی خیر آبادی، مولانا احمد تونسوی، حسن شاه قندهاری، ولی الله خراسانی، میان حسن عسکری دهلوی، شیخ احمد مدنی، صاحبزاده غلام نصیر الدین عرف کالی میان صاحب، غلام محمد ملتانی و غیر آن.

خواجه شمس الدین سیالوی^۱ (۱۲۱۴-۱۳۰۰ق) محبوب ترین خلیفه^۲ خواجه سلیمان تونسوی^۳ بود. خواجه شمس الدین در ترویج و اشاعت سلسله نظامیه چشتیه جهد و کوشش انجام داد و در نتیجه این کوشش خانقاه جلال پور و گولره شریف بوجود آمد. خواجه شمس الدین با اخلاق بود و هر کسی در خدمت وی حاضر شد با محبت و عقیدت رفتار می کرد. در معامله شریعت سخت بود و با مریدان هم در معامله شریعت با سختی پیش می آمد.

پیر سید مهر علی شاه (۱۸۵۹-۱۹۳۷م) محبوب ترین مرید خواجه شمس الدین سیالوی^۴ بود. در مکه معظمه روزی با حاجی امداد الله مهاجر مکی^۵ ملاقات کرد. حاجی امداد الله فرمود که در هند عنقریب يك فتنه ظهور کند، شما ضرور در ملك خود واپس بروید و در تدارك آن سعی و کوشش نمایید. پیر مهر علی شاه^۶ بزودی آشنا شد که این فتنه، فتنه قادیانی است. پیر صاحب در رد این فتنه شب و روز کوشش فرمود.

کتاب شناسی و منابع:

- ابو الفضل (۱۸۶۹م) آئین اکبری، جلد سوم، لکهنو، هند.
- امیر حسن، سجزی، خواجه (۱۹۶۶م) فوائد الفوائد، تصحیح و مقدمه و حواشی محمد لطیف ملک، ملک معراج دین ایند سنز، لاهور.
- امیر خسرو (س.ن) مجنون لیلی، مطبع نول کشور، لکهنو، هند.
- ا.ن (۱۳۰۱ق) مکتوبات کلیمی، مطبع یوسفی، دهلی.
- بلگرامی، غلام علی، آزاد (۲۰۰۸م) مآثر الکرام، مترجم، محمد یونس، مفتی، مرکز الدراسات اسلامیه، جامع الرضا، بریلی شریف، یوپی، هند.

- جامی، عبد الرحمن، نور الدین (۱۳۸۲ ش) مقدمه و تصحیح و تعلیقات نفحات الانس، عابدی محمود، انتشارات اطلاعات، تهران، ایران۔
- حمید قلندر، مولانا (س۔ن) خیر المجالس، تصحیح و مقدمه و تعلیقات، نظامی، خلیق احمد، دانشگاه مسلم، علی گره، هند
- سلیمان، نجم الدین، حاجی (س۔ن) مناقب المحبوبین، مطبع حسنی محمد حسن، دهلی۔
- عصامی مولانا (۱۹۳۷ م) شاهنامه هند فتوح السلاطین به تصحیح مهدی حسن، دکتر، هندوستان اکادمی، اله آباد، هند۔
- کرمانی، سیّد محمد، معروف به میر خوردد (۱۹۷۸ م) سیر الاولیاء، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد۔
- کلیمی، محمد قاسم، سیّد (۱۳۱۵ ق) مکتوبات کلیمی، مطبع مجتبیٰ، دهلی۔
- قطب الدین، حافظ (۱۸۷۹ م ۱۳۱۰ ق) نافع السالکین، مطبع مرتضوی، کوچه چیلان، دهلی، هند۔
- گل محمد، خواجه (س۔ن) تکمله سیر الاولیاء، مطبع رضوی، دهلی، هند۔
- لاهوری، غلام سرور، مفتی (س۔ن) خزینة الاصفیاء، هلد ۱، منشی نول کشور، کانپور، هند۔
- محدث، عبد الحق شیخ، دهلوی (۱۳۸۲ ش) اخبار الاخبار، تصحیح و توضیح علیم اشرف خان، موسسه انتشارات، تهران، ایران۔
- همو (س۔ن) اخبار الاخبار، فاروق اکادمی، گمبت، ضلع خیر پور، پاکستان۔
- همو (س۔ن) اخبار الاخبار، کتب خانه رحمیه، دیوبند، یوپی، هند۔

۵۸ ظہیر احمد بابر، احسان احمد/غاز و ارتقای سلسلہ چشتیہ در شبہ قارہ (ہند و پاکستان)

- محمد جہانگیر، نور الدین (۱۹۶۸ م) تزک جہانگیری، مترجم قدوسی، اعجاز الحق، مجلس ترقی ادب، لاہور۔
- نظامی، خلیق احمد (۲۰۱۴ م) تاریخ مشایخ چشت، زاویہ پبلشرز، لاہور۔

۶۰ ظهیر احمد بابر، احسان احمد/غاز و ارتقای سلسله چشتیه در شبه قاره (هند و پاکستان)

۶۲ ظهیر احمد بابر، احسان احمد/غاز و ارتقای سلسله چشتیه در شبه قاره (هند و پاکستان)